**خارج فقه جلسه 6 - ترتیب در مسح پا – 17/07/1401**

موضوع:  **(ترتیب در مسح پا - اقوال - ادله - بررسی ادله - نظر استاد)**

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

**بحث این بود که آیا ترتیب در مسح پا لازم است یا نه؟ گفتیم روایات دو دسته‌اند: برخی مطلق‌اند و برخی مقیدند. حال آیا می‌شود قاعده حمل مطلق بر مقید جاری کرد و تقدیم پای راست واجب باشد یا نه؟ اما ادامه روایات مقید:**

**روایت سوم: أحمد بن علي بن العباس النجاشي في (كتاب الرجال) عن أبي الحسن التميمي، عن أحمد بن محمد بن سعيد، عن علي بن القاسم البجلي، عن علي بن إبراهيم المعلى، عن عمر بن محمد بن عمر بن علي بن الحسين، عن عبد الرحمان بن محمد بن عبيد الله (عبد الله خ ل) بن أبي رافع - وكان كاتب أمير المؤمنين عليه السلام - أنه كان يقول إذا توضأ أحدكم للصلاة فليبدء باليمنى (باليمين) قبل الشمال من جسده.[[1]](#footnote-1)**

**روایت چهارم: الحسن بن محمد الطوسي في (مجالسه)، عن أبيه، عن محمد بن محمد بن مخلد، عن أبي عمرو، عن يحيى بن أبي طالب، عن عبد الرحمان بن علقمة، عن عبد الله بن المبارك، عن سفيان، عن إسماعيل بن أبي خالد، عن زياد، عن أبي هريرة أن النبي صلى الله عليه وآله كان إذا توضأ بدأ بميامنه[[2]](#footnote-2). که حضرت سمت راست را مقدم می داشتند و ایضًا از نبوی که امر می­کنم که راست را مقدم بدارید.**

**روایت پنجم: «وتمسح ببلة يمناك ناصيتك، وما بقي من بلة يمينك ظهر قدمك اليمنى، وتمسح ببلة يسارك ظهر قدمك اليسرى»[[3]](#footnote-3)**

**تحقیق جامع استاد: (بخشی از آن حاج آقا رضا همدانی ره): این روایات نمی‌تواند مقید باشد و به قول مرحوم حاج آقا رضا همدانی امر در این روایات بر استحباب شود بهتر از حمل مطلق بر مقید است چون تأخیر بیان از وقت حاجت لازم می‌آید آن هم مثل مسئله مسح که عام البلوای است و تأخیر فوق بدون مصلحت قبیح است.**

**نظر استاد: اگر ما دچار حمل مطلق بر مقید شویم باید مطلقات را توجیه کرد:**

**توجیه اول: آیه و روایات مطلق در مقام بیان نیست و در مقام مهمل است و چون مهمل است امامان معصوم علیهم‌السلام بعدی تفسیر کردند و ظهور آیه و روایات را از این اهمال خارج کردند و مبین کردند که این از شأن خدا دور است سبحان‌الله.**

**توجیه دوم: لابد آیات و روایات مطلق برای حکم ظاهری است که این هم خلاف ظاهر آیه و روایت است چون در اصول بیان شد اصلی بنام اصالة الحقیقه و الظهور که مادامی‌که قرائن علیه آیه نیامده اصل بر حقیقت است.**

**توجیه سوم: این روایات و آیات قرائن حالیه یا مقالیه دارد که ما می‌خواهیم بیان خودمان را تأخیر بیندازیم و درباره تقدیم یمنی بر یسری تأخیر بیندازیم و در زمان امام صادق علیه‌السلام بگوییم درحالی‌که این آیه و روایات خالی از قرینه‌اند و اگر شک شود اصل بر عدم قرینه است پس اکثر مراجع تقلید عظام هم می‌فرمایند تقدیم راست بر چپ افضل است.**

**بررسی در رابطه با روایات مقید:**

**منها: روایت صحیحه محمد بن مسلم که تقدیم راست واجب است اما این دلالت آن‌قدر قوی نیست که اطلاق آیه و روایات را قید بزند چون:**

**اولاً: تصریح نفرمود که شق ایمن را قبل از شق ایسر مسح شود بلکه ظاهر است و نص نیست و روایات مقید آن‌هایی که نص هستند قوی هستند.**

**ثانیاً: این روایت معارض است با توقیع حمیری از جانب امام زمان علیه‌السلام که شما پاها را با هم می‌توانید مسح کنید و این تعارض را خیلی از فقها فتوا دادند که اگر با هم بکشید مشکلی ندارد.**

**اما روایت نجاشی که حجیت آن ثابت نیست چون نمی‌دانیم این عبدالرحمن از نوادگان فزاری عرزمی است که اگر از ایشان باشد ثقه است و اگر از نوادگان ابی رافع باشد توثیق ندارد پس سند این روایت مخدوش است ولی دلالت آن تام است و با این وجود مرحوم علامه و محقق و شهید می‌گویند ما این روایت را در ردیف ادله قول به وجوب تقدیم یمنی ندیده‌ایم و اعراض شده است که نشانه موهوم بودن است.**

**اما روایت نبوی اول: ضعیف است چون در سندش ابوهریره است.**

**اما روایت نبوی دوم: مرسل است.**

**اما توقیع حمیری: به اعتبار اینکه فقها حمیری را قبول دارند و مثل صاحب جواهر اعلی سند می‌داند و به متن روایت فتوا داده است اما به نظر ما هم از نظر فتوا و روایت نه شهرت فتوایی و نه روایی دارد لذا صلاحیت قید آیه و روایت را ندارد.**

**ثانیاً: این توقیع حمیری با ادله قول ثانی معارض است یعنی آن قولی که می‌گویند مقارنت جایز نیست.**

**ثالثاً: مخالف با اجماع مرکب و خرق اجماع مرکب است چون علماء درباره تقدیم رجل یمینی دو دسته‌اند عده‌ای تقدیم را واجب و عده‌ای تقدیم آن را واجب نمی‌دانند و اگر کسی بگوید مقارنت جایز است خرق اجماع مرکب و احداث قول ثالث می‌شود لذا به نظر می‌رسد یا حمل بر تخییر و یا حمل بر استحباب شود.**

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. **وسایل ج ۱ ص ۳۱۶** [↑](#footnote-ref-1)
2. **همان باب ۳۴ ح ۳** [↑](#footnote-ref-2)
3. **همان باب ۱۵ ح ۲** [↑](#footnote-ref-3)